

ترفندهای روان شناختی مدعیان دروغین مهدویت، در ایران معاصر

نعمت‌الله صفری فروشانی^۱

مسلم کامیاب^۲

چکیده

چیستی و تنوع ترفندهای مدعیان مهدویت، از جمله پرسمان‌های فربه و اندیشه خیز در عرصه مطالعاتی مهدویت است. با وجود رویکرد فراگیر به پدیده مدعیان، کاوش‌ها در زمینه ترفند شناسی مهدویت اندک و این مقوله با رویکرد روان‌شناختی مورد مطالعه قرار نگرفته است. این جستار با اذعان به اهمیت موضوع و با رسالت بررسی ترفندهای مدعیان مهدویت در ایران معاصر و با روش توصیفی - تحلیلی به فرجام رسیده است. برخی از مستندات، نظیر فایل‌های صوتی و تصویری، پرونده‌های قضایی مورد اهتمام نگارنده بوده است. مغز شویی، مظلوم‌نمایی و ایجاد شخصیت کاذب، از جمله مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش در ترفندهای روان شناختی مدعیان است. واژگان کلیدی : مهدویت، مدعیان دروغین، ترفندشناسی، ایران معاصر، روان‌شناسی، جذب، پایایی.

nsafari8@gmail.com

۱. استاد گروه تاریخ جامعه المصطفی العالمیه.

kamyabm@chmail.ir

۲. دانش پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت «نویسنده مسئول».

۱. مقدمه

مدعیان دروغین مهدویت، با سوء استفاده از اندیشه مهدویت، همواره به عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های این اندیشه سترگ به حساب آمده‌اند. تاریخ ایران معاصر که از شروع سلسله پادشاهی قاجار (۱۷۹۶م) تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد، از این نوع مدعیان مصون نمانده است. به طور ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مدعیان ملاقات، ارتباط با امام زمان، همسری حضرت، تطبیق نشانه‌ها، و تعیین زمان ظهور، بیش‌تر در کانون توجهات قرار گرفته است.

یکی از اموری که در زمینه مدعیان دروغین می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، بررسی ترفندهای مدعیان در جذب و پایایی مخاطب است. با مطالعه بر روی منابع مرتبط با بحث مدعیان، با انواع ترفندها از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اعتقادی می‌توان دست‌یافت. یکی از مهم‌ترین این ترفندها، «ترفند روان‌شناختی» است. مدعی با این ترفند مخاطب را در موقعیتی خاص قرار داده و بر رفتار او به صورت پنهان یا آشکار تاثیر می‌گذارد.

اهمیت و ضرورت موضوع ترفند روان‌شناختی، از آن جهت است که دامنه آن عوام و خواص مردم را در بر می‌گیرد و مدعی سعی می‌کند با شناخت کافی از مخاطبان خود تکنیک‌ها و شیوه‌های جذب همان مخاطب را به کارگیرد؛ برخلاف ترفندهای دیگر مانند اعتقادی که مخاطبان آن بیش‌تر دین‌مداران معتقد می‌باشند. بنابراین، شناساندن این، نوع ترفندها می‌تواند در شناخت آنان و نحوه مواجهه با آنان و نهادینه سازی رویکرد پیش‌گیرانه و مصونیت‌زا، کمک شایانی داشته باشد. همچنین از پیامدهای منفی متعددی، از قبیل فرقه‌گرایی، هدر دادن ظرفیت‌های جامعه شیعی و تخریب اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت جلوگیری کند.

سامان بخشیدن به تنوعات مختلف ترفندهای مدعیان دروغین و روشمند کردن مطالعات در این زمینه، از جمله ضرورت‌های دیگر ترفندشناسی است. در مطالعه‌ای روشمند در باب موضوع مدعیان دروغین و بالخصوص ترفندشناسی، بایستی آگاهانه تمایزات و تنوعات ترفندهای مدعیان دروغین را برشمرد.

هدف اصلی این مقاله، با توجه به منابع موجود، بررسی ترفندهای مدعیان دروغین با رویکرد

روان‌شناسانه است.^۱ نیز در صدد پاسخ به این سوال است که این نوع ترفندها از چه جنبه‌هایی می‌تواند قابل بررسی باشد؟ نقش ترفندها در جذب تا چه اندازه‌ای بوده و آیا ترفندها در پایایی و ماندگاری مریدان نقشی داشته است یا خیر؟ این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی با تطبیق بر نمونه‌های عینی تدوین یافته است.

۱-۱. پیشینه شناسی

در حوزه مطالعات مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر با رویکرد روان‌شناسی؛ دو نوع اثر باید مورد توجه قرار گیرد: الف) آثاری که به ترفندهای مدعیان دروغین مربوط است؛ ب) آثاری که در زمینه انحرافات روان‌شناختی و فرقه‌گرایی مورد بحث است. در مورد نوع اول، کتاب مستقلی یافت نشد و ترفندهای مدعیان این نوشتار از میان کتاب‌های فرقه‌ای مهدوی مانند «به سوی انحراف» (حجایی: بی‌تا)؛ «کژراهه» (جمعی از نویسندگان: ۱۳۸۸)؛ «قبیله حیل» (جامعه مدرسین قم: بی‌تا) و برخی پرونده‌ها و فیلم‌ها استخراج گردید که به مباحث روان‌شناختی هیچ اشاره‌ای ندارد.^۲ اما در نوع دوم، تنها به دو اثر «فرقه‌ها در میان ما»، نوشته مارگارت تالر سیگنر^۳ (سیگنر: ۱۳۸۵) و «گسستن بندها» نوشته استیون حسن^۴ (استیون: ۱۳۹۲) می‌توان اشاره کرد. هر دو کتاب توسط ابراهیم خدابنده ترجمه شده است. در این دو اثر

۱. لازم به ذکر است مراد از مدعیان دروغین مهدویت شامل تمام ادعاهای حوزه مهدویت مانند ادعای امامت، ملاقات، تطبیق نشانه‌های ظهور و ... است.

۲. گفتنی است در پیوند با فرقه‌های مهدوی معاصر، کتاب‌های تاریخی و اعتقادی نگاشته شده است، مانند عبدالرزاق الحسن، کتاب «البابون فی التاریخ»؛ مرتضی مدرسی چهاردهی، کتاب «شیخی‌گری و بابی‌گری» یا علامه سید حسن مصطفوی، کتاب «محاكمه باب و بهاء» را تالیف کرده‌اند.

۳. خانم سیگنر (م ۲۰۰۳ م.). روان‌شناس ضد فرقه‌ای در آمریکا بوده است که مطالعات فرقه‌ای او بیش‌تر بر مسئله مغزشویی است. این کتاب که حاوی سه فصل است، در فصل اول به مسئله فرایند مغزشویی اشاره می‌کند. در فصل دوم به بحث فرقه‌ها چگونه عمل می‌کنند، می‌پردازد و در فصل سوم به راه‌های نجات از فرقه‌ها اشاره دارد (برگرفته از مقدمه کتاب).

۴. استیون حسن، فارغ‌التحصیل رشته روان‌شناسی و مشاور عالی نهادهای ضد فرقه‌ای در آمریکا است. وی در کتاب «گسستن بندها» اثبات می‌کند فرقه‌ها پیروانشان را به «بند» می‌کشند و سپس راه‌های گسستن از این بندها را برای مخاطب تعریف و تفسیر می‌کند و در جای جای آن از مدل فرقه مونیسم که خود سال‌ها در بند آن‌ها بوده، مثال می‌آورد. تمرکز این کتاب بیش‌تر بر مسئله کنترل ذهن است.

تنها به مباحث روان شناسی مغز شویی و چگونگی رهایی از فرقه‌ها اشاره شده است؛ اما به ترفندهای مختلف فرقه‌ها اشاره‌ای نشده است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد به طور ویژه به ترفندهای مدعیان با توجه به نگاه روان شناسی پرداخته نشده؛ لذا نوشتار پیش رو می‌تواند به عنوان اولین گام در پیشبرد این ایده باشد.

۲-۱. روش تحقیق

باتوجه به این که این پژوهش در صدد بررسی ترفندهای مدعیان دروغین است، برخی از مدعیان دروغین، مشهور و برخی غیر مشهور که بیش تر به مدعیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اشاره دارد.

از آن جا که از برخی مدعیان در منابع مکتوب اسمی به نیامده، نوشتار پیش رو، به دو روش «مکتوب»^۱ و «غیرمکتوب» جمع آوری شده است. در روش مکتوب، مدعیان بایست، بهائیت و برخی از جریان‌های انحرافی پس از انقلاب اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته است. در روش غیر مکتوب با بهره‌گیری از برخی پرونده‌های مدعیان و فیلم‌های موجود آن‌ها که در آرشیو مرکز تخصصی مهدویت، گروه فرقه‌های انحرافی و معاونت تبلیغ و ارتباطات موجود است؛ ترفندهای آنان استخراج گردید در هر دو روش با توجه به گزارش‌ها تلاش گردید شگردهای مرتبط با مباحث روان شناختی بررسی و تحلیل گردد.

قابل ذکر است، با توجه به محدوده مکانی وزمانی پژوهش که مختص ایران معاصر است؛ در زمینه وضعیت مدعیان در دوران انقلاب اسلامی، اطلاعات جامع‌تری، از جمله ارتباط مستقیم با مدعیان و امکان دسترسی به آنان مورد نیاز بود که چنین امکانی از ناحیه نهادهای مرتبط فراهم نگردید و ناگزیر به منابع با واسطه، مانند فیلم‌ها و پرونده مدعیان بسنده شد. ناگفته نماند که مقاله پیش رو در صدد بحث‌های تخصصی در حوزه مباحث روان شناختی نبوده؛ بلکه در پی تبیین این نکته بوده که تنها وجه تمایز ترفند روان شناختی با دیگر ترفندها، شناسایی آن‌ها از سنخ روان شناسی است.

۱. مراد از «منابع مکتوب»، منابعی است که به طور رسمی تولید و انتشار شده است. از این رو پرونده‌های مدعیان و گزارش‌های آنان جزء «منابع غیر مکتوب» به حساب آمده است.

۳-۱. جایگاه شناسی مباحث روان شناسی در جذب مخاطب

علم روان شناسی تعاریف مختلفی دارد که بنا به تعریف ریچارد مه یِر^۱، عبارت است از: تحلیل علمی فرایندهای ذهنی و ساخته‌های حافظه آدمی به منظور درک رفتار وی (ارنست و همکاران، ۲۰۰۹: ص ۱۰۰۴). هدف این علم توصیف، فهم و درک، پیش بینی و کنترل رفتار انسان است. امروزه علم روان شناسی در موضوعات مختلف حضور جدی و کار برد فراوان دارد. به عنوان نمونه شاخه‌های این علم در مولفه‌های انسانی کاربرد فراوان دارند؛ مثلا روان شناسی ترس، روان شناسی شایعه، روان شناسی انگیزش و هیجان، روان شناسی احساس و ادراک، و روان شناسی اجتماعی؛ همه می‌توانند در گستره «انسان» ایفای نقش کنند (کاپوانی، ۱۳۸۷: ص ۲). اما آنچه در بحث پیش رو می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ این که مباحث روان شناسی در بسیاری از ابعاد زندگی، همچون کاردی برنده است که استفاده خوب و بد را از آن ممکن می‌سازد؛ به طوری که در بحث از مدعیان دروغین و ترفندهای جذب، با توجه به مواردی که خواهد آمد، تصویری از این شگردها نمایان می‌شود که این، خود، گویای جایگاه این علم در جذب و پایایی مریدان است.

۲. ترفندهای روان شناختی

ترفندهای روان شناختی می‌تواند از جنبه‌های مختلف تقسیم بندی گردد؛ اما در این جا از دو زوایه «جذب» و «پایایی» (ثابت ماندن در میان فرقه) به آن نگاه شده است:

۲-۱. ترفندهای جذب

ترفندهایی است که مدعی در ابتدای کار تشکیل گروه یا فرقه انحرافی از آن استفاده می‌کند و به عنوان اولین مرحله از کار تشکیلاتی او به حساب می‌آید؛ که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۲-۱-۱. اعتماد سازی کاذب با ابزار انتساب دروغین

یکی از ترفندهای مدعیان «اعتماد سازی کاذب» است. اعتماد زمینه ساز پیوند میان انسان‌هاست که از نزدیک‌ترین نوع رابطه، یعنی رابطه میان نوزاد و مادر آغاز می‌شود و در



ادامه به سایر عرصه‌های زندگی سرایت می‌کند. اعتماد نقش زیر ساختی در الگوهای رفتار ارتباطی انسان‌ها دارد؛ چرا که در مشارکت، همکاری، و پذیرش اعتقاد، آنچه بیش از هر امری تعیین کننده است، اعتماد مخاطب به طرف ارتباط است. روان‌شناس مشهور، اریک اریکسون (۱۹۰۲-۱۹۹۴م)، در نظریه رشد، «اعتماد» را مبنای اساسی هرگونه رابطه شخصی می‌داند و شکل‌گیری و رشد اعتماد را یکی از عوامل اصلی در انطباق و سازگاری و ایجاد شخصیت سالم به شمار می‌آورد (شولتر، ۱۳۸۵: ص ۲۴۵). مدعیان به خاطر آن که بتوانند اعتماد مقابل را جلب کنند، با زیر پا گذاشتن شاخصه صداقت با انتساب دروغین؛ در جذب مرید و باورپذیری ادعا تلاش می‌کنند. بدین معنا که برای تایید کلام و اعتقادات خود، مطالب مورد ادعا را به شخصیتی علمی - سیاسی نسبت می‌دهند تا مرید، هم به اعتماد لازم برسد و هم به عظمت مدعی پی‌ببرد. در میان مدعیان، احمد اسماعیل بصری^۱، از این ترفند استفاده فراوان کرده است.

در مستند ساخته شده توسط مریدان مدعی یمانی آن‌ها برای تایید ادعاهای خود مدعی هستند شیخ محمد یعقوبی (که به گفته آن‌ها از مراجع عراق و آیت الله شناخته شده است) یمانی را تایید و با او بیعت کرده است (مستند دو قسمتی یمانی موعود: بی‌تا، کد الف: ۱۶ موجود در گروه فرقه‌های انحرافی مرکز تخصصی مهدویت) این درحالی است که اولاً این نکته تنها ادعا است و ثانیاً خود طرفداران یمانی مانند ناظم العقیلی ردیه ای بر مطالب این روحانی عراقی با نام ملحمة الفكر الاسلامی و الفكر الديمقراتی (العقیلی: ۱۴۲۶) تالیف کرده است.

این جریان، برای هموار کردن راه خود، به علمای عراق بسنده نکرده، بلکه بنا بر

۱. مؤسس جریان، شخصی است به نام «احمد اسماعیل بصری» از قبیله صیامر. وی در حدود سال ۱۹۷۳م. در منطقه‌ای به نام هویر از توابع شهرستان زبیر، از استان بصره متولد شد و در سال ۱۹۹۹م. از دانشکده مهندسی بصره فارغ التحصیل شد (حیدری، آل کثیر، ۱۳۹۰: ص ۱۷۵). در مورد وی، مجموعه‌ای از ادعاها مطرح شده که از مهم‌ترین ادعاهای وی «یمانی» و «فرزندی امام» است که مجموع ادعاها و دیدگاه‌های او را می‌توان در دو جزوه با عنوان «ادله جامع یمانی» و «یمانی، موعود حجت الله» جست و جو کرد. این جریان به دلیل نقش ایرانیان در روایات آخر الزمان، توجه ویژه‌ای به سوی ایران داشته است. وی با این ادعا که «یمانی» است و باید هنگام ظهور با ۱۲ هزار نیرو و مرد جنگی از طالقان خروج کند؛ به تبلیغ افکار انحرافی خود در کشور ایران پرداخته است.

گزارش‌های رسیده (سراب، ۱۳۹۴: ص ۱۶) در تبلیغ خود با اسم بردن برخی از علمای ایران در صدد تایید این جریان است؛ چنان‌که فردی به نام «ح - م» می‌گوید:
یکی از مراجع [اسم می‌برد] را در خواب دیدم که متواضعانه بر روی صندلی نشسته است. به من گفت: دلایل یمانی چیست؟ من هم دلایل را بیان کردم؛ سرش را تکان داد و انکار نکرد (همان: ص ۱۸).

در حالی که علاوه بر عدم امکان راستی آزمایشی این رؤیا؛ حجیت رویا قابل خدشه است؛ زیرا اصل اولی در اثبات احکام شرعی، استنباط آن به وسیله یکی از ادله چهار گانه، (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است و هر دلیل خارج از آن مقبول نیست. رویاهایی که بر حکمی خصوصاً اعتقادی دلالت کند، فاقد اعتبار می‌باشد.

در میان متکلمان و فقهای شیعه، کسی به اعتبار خواب در برابر نص و روایت قائل نبوده به عنوان نمونه سید مرتضی، علامه حلی، میرزای قمی و علامه مجلسی طی مباحثی حدود اعتبار رویا و خواب را بیان کرده‌اند (به ترتیب اسامی: سید مرتضی: ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۱۳؛ حلی، ۱۴۰۱: ص ۹۸؛ گیلانی (میرزای قمی)، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۴۹۶ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۸، ص ۲۳۸).

علامه حلی، در پاسخ به کسی که روایت عدم تمثیل شیطان را در قالب رسول خدا ﷺ می‌خواند؛ می‌گوید:

آنچه از خواب و رویا با ظاهر دستور اهل بیت علیهم‌السلام مخالف باشد، به هیچ عنوان پذیرفته نمی‌شود و آنچه را نیز با ظاهر دستورات اهل بیت علیهم‌السلام موافق است، می‌توان تبعیت کرد؛ اما وجوبی در اطاعت از این دسته از خواب‌ها نیز نمی‌باشد و دیدن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خواب اطاعتی را بر ما واجب نمی‌کند (حلی، ۱۴۰۱: ص ۹۸).

از این روست که امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

دین خدا، عزیزتر و علمی‌تر از آن است که بخواهد با خواب فهمیده شود. (کلینی ۱۴۰۷: ج ۳ ص ۴۸۲)

بنابراین، استناد به خواب آن هم در مسائل اعتقادی، کاملاً قابل خدشه است و می‌توان از آن به عنوان نوعی ترفند، جهت تایید ادعای مدعی استفاده کرد.

۱. «فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ».

نمونه دیگر از اعتماد سازی جریان «ع - ی»^۱ است. او با ادعای این که نوار سخنان او به دست مقام معظم رهبری رسیده و ایشان سخنان وی را تایید کرده است، می گوید:

الان موضوع کاروان مطرح است؛^۲ دوستانی در جمع هستند که این موضوع را به گوش رهبر معظم انقلاب می رسانند. هم نوار را می رسانند؛ هم سی دی را می رسانند؛ هم نامه و هم پیغام می رسانند (حجّامی، بی تا: ص ۱۲۷).

البته دفتر مقام معظم رهبری طی نامه ای به دادگاه ویژه روحانیت این انتساب را رد کرد. (بولتن خبری این مدعی، بی تا: ص ۴، موجود در معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت).

برای برون رفت از این ترفند، ضروری است مخاطب هنگام رو به رو شدن با آن، چند پرسش اساسی را مطرح کنند: در این نحوه اعتماد سازی چه چیزی یا از چه کسی نقل شده است؟ چرا باید به مدعیان توجه کنیم یا آنان را در موضوع مورد ادعا، قابل اعتماد بدانیم؟ بر فرض این که این افراد در تکنیک خود صادق باشند؛ آیا ادعای آن ها می تواند به عنوان یک ارزش دینی و اعتقادی مورد پذیرش قرار گیرد؟

۲-۱-۲. مرحله ای بودن ادعا

مدعیان برای ادعاهای بزرگ تر خود، از ادعاهای جزئی و ملموس تر شروع و از لحاظ بار روانی پس از بررسی ابعاد آن، زمینه پذیرش را در بین مخاطب فراهم کرده و سپس ادعای

۱ آقای «ع - ی» متولد سال ۱۳۴۴ تهران؛ تحصیلات خود را تا سطح دیپلم در این شهر گذراند و در رشته پزشکی یکی از دانشگاه های تهران به تحصیل مشغول شد؛ اما به دلیل مشکلاتی که برای او پیش آمد، از دانشگاه اخراج گشت. وی سپس با برگزاری جلسات سخنرانی برای دانشجویان و بسیجیان و در هیئات مذهبی کم کم افرادی را به گرد خویش جمع کرد و به طرح مباحثی مانند توحید، ولایت و عوامل غیبت پرداخت. جلسات وی با استقبال افراد جوان و بعضا مسئولان دولتی روبه رو گردید. او در بیش تر سخنرانی های خود، ادعاهایی را مطرح کرده که یکی از این ادعاها بحث «انتفاع خاصه» از امام زمان است. وی سپس مدعی است انتفاع از امام زمان علیه السلام در نعمت های خاصه از آن او و حضرت خضر علیه السلام است (حجّامی، بی تا: ص ۶۶)؛ و همچنین جزو یکی از رجعت کنندگان در عصر ظهور می باشد (همان).

۲. موضوع کاروان سلسله مباحث وی در پیوند با امام حسین می باشد که در قالب چهل شب با کاروان حسینی به چاپ رسیده است

بزرگ‌تر خود را مطرح می‌کنند؛ مانند علی محمد شیرازی^۱ در ابتدا، بابت و نیابت امام زمان عجل الله فرجه را ادعا نمود. بسیاری از کسانی که ابتدا به علی محمد شیرازی اعتقاد پیدا کردند، به دنبال شناخت امام زمان عجل الله فرجه بودند و فکر می‌کردند او پلی برای شناخت امام زمان عجل الله فرجه است؛ به همین دلیل، به علی محمد باب گرایش پیدا کردند. از همین رو، برخی از طرفداران علی محمد شیرازی، مانند «ملا عبدالخالق یزدی» (م ۱۲۶۸ ق.) وقتی می‌شنوند که او ادعای «بابت» خود را به ادعای «مهدویت» تبدیل کرده از او روی برمی‌گردانند (بامداد، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۲۷). وی در ادامه از ادعای اولیه فراتر رفت؛ در سال ۱۲۶۵ ادعای نبوت می‌کند و در نهایت خود را به عنوان ذات و جوهر خداوند معرفی می‌کند! (فضایی، بی‌تا: ص ۹۸).

بی‌تردید می‌توان حدس زد که اگر علی محمد شیرازی از همان ابتدا ادعای مهدویت می‌کرد، پذیرش این موضوع برای هواداران شیخی او و مردم سخت بود. قابل ذکر است که مبلغان بهائیت در پاسخ به این سوال که چرا علی محمد شیرازی از همان ابتدا ادعای مهدویت و نبوت نکرده است؛ می‌گویند، او از قاعد تدریج استفاده کرده است <http://www.radiogoftogoo.ir/shobadyeshoom>؛ قاعده‌ای که تنها در برخی موارد فقهی استفاده می‌شود و در تاریخ بعثت انبیا سابقه ندارد. بنابراین، می‌توان این عمل علی محمد شیرازی را نوعی ترفند به حساب آورد.

۱. علی محمد شیرازی، فرزند میرزا رضا بزاز، مؤسس فرقه بابیه است. وی، اول محرم ۱۲۳۵ ق. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در شیراز طی کرد و نزد شیخ عابد از شاگردان سران شیخیه درس خواند (فیضی، ۱۳۵۲: ص ۷۴). وی پنج سال در بوشهر به تجارت پرداخت. پس از آن، به عراق رفت و در درس سید کاظم رشتی شرکت کرد و مورد توجه استاد خود قرار گرفت (همان: ص: ۸۰-۱۰۰). پس از مرگ سید کاظم رشتی (م ۱۲۵۹ ق.) علی محمد باب، ادعای بابت کرد (همان: ۱۱۳) و هیجده نفر از شاگردان سید کاظم رشتی که همگی شیخی مذهب بودند، اطراف وی را گرفتند (همان: ص ۱۲۹). علی محمد اندکی بعد از ادعای بابت در سال ۱۲۶۰ ق. با ادعای بالاتر، خود را «مهدی موعود» خواند. همزمان با ادعای باب، شورش و ناامنی‌هایی در ایران به وجود آمد که سیاستمداران، از جمله امیرکبیر به اعدام او تصمیم گرفتند. سرانجام علی محمد باب در میدان تبریز در شعبان ۱۲۶۷ ق. اعدام گردید (حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۷). عقاید و ادعاهای علی محمد غالباً مبهم و پیچیده و تلفیقی است از آرای شیخیان، باطنیان، صوفیان و پاره‌ای از دعاوی شخصی (همان، ص ۱۹)؛ اما ادعای بابت و مهدویت وی ثابت و در منابع بابیه بدان اشاره شده است (سجادی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۳۵).

نمونه دیگر خانم «ف-گ»^۱ مدعی همسری امام، برای جذب مریدان از این تکنیک استفاده کرده است. وی می‌گوید:

از همان سال ۶۳ به بعد جلساتی را در منزل خود تشکیل دادیم، به عنوان جلسه موعظه و روضه خوانی و بعد با استفاده از خواب و رویا قضیه ارتباط خود را با حضرت مطرح کردم و پس از مدتی ادعا کردم که با امام زمان علیه السلام در آینده ازدواج خواهم کرد (کریمی، بی‌تا: مستند روزنه انحراف، موجود در گروه فرقه‌های انحرافی مرکز تخصصی مهدویت).

ترفند گام به گام این خانم در ادعای خود بدیهی می‌نماید.

۲-۱-۳. ارتباط‌گیری

ارتباط واژه‌ای است عربی از باب افتعال و با واژه انگلیسی «Communication» معادل است. کارل هاولند، ارتباط را فرآیندی می‌داند که هدف آن انتقال یک محرک از یک فرد (ارتباط‌گر) به فردی دیگر (پیام‌گیر) به منظور تغییر رفتار اوست (محسنیان راد، ۱۳۸۰: ص ۴۴). هنری سیندگرن در کتاب هنر انسانی معتقد است: ارتباط از دیدگاه روان‌شناسی فراگردی است حاوی تمام شرایطی که متضمن انتقال معنی باشد (همان: ص ۴۵).

از منظر روان‌شناسان، ارتباط خوب دارای مولفه‌هایی است؛ از جمله:

اول. ویژگی شخصیتی و نیازهای روانی و اجتماعی مخاطب در نظر گرفته شود؛ چراکه همه انسان‌ها از لحاظ فطرت، محبت‌پذیر و قهر ستیز یا تکریم‌پذیر و دوست‌دار محبت‌می‌باشند.

دوم. موضوع و محتوای پیام؛ پیام می‌تواند در زمینه‌های گوناگون، از جمله در قلمرو رشد عواطف و احساسات در حوزه شناختی و ذهنی و در عرصه تفهیم ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و اجتماعی مطرح باشد.

۱. وی متولد ۱۳۳۰ تهران دارای مدرک دیپلم است. او از سال ۱۳۶۳ به بعد عنوان می‌دارد که خواب نما شده و از طرف امام زمان علیه السلام به او امر شده که برای حضرت تبلیغ نماید. لذا نه جلد کتاب در این زمینه گرد آوری و به چاپ رسانده است. وی مدعی است که حضرت به من فرمودند: اگر من سه نفر مثل تو داشتم، تا حالا آمده بودم! (جامعه مدرسین قم، بی‌تا: ص ۱۴۲-۱۴۳).

سوم. شرایط و موقعیت برقراری ارتباط؛ محیط آرام و سالم، سازنده است. اوقات فراغت یکی از بهترین زمان‌های ارتباط است. معمولاً اواخر هفته‌ها و تعطیلات بهترین زمان برای برقراری ارتباط است (افروز، ۱۳۸۳: ص ۳-۱۲).

مدعیان دروغین با توجه به سه ویژگی مذکور در فرایند ارتباط‌گیری به جذب نیرو اقدام می‌کنند. به عنوان نمونه بهائیت در قالب «طرح روحی» با انتخاب کودکان و نوجوانان حاشیه یکی از شهرهای کشور با اقدام - به اصطلاح - انسان دوستانه، دست به آموزش مفاهیم اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی زده و با محتوای تبلیغی بهائیت در محیطی آرام، در روزهای جمعه، طی ۱۸ هفته به جذب اقدام نموده‌است (فیلم تبلیغی این گروه، بی‌تا: کد ۱۲۱۶ موجود در آرشیو مرکز تخصصی مهدویت). این طرح، طرحی تبلیغی است؛ اما ابزارهای آن کاملاً روان‌شناختی است. این گروه ۱۷ نفره با توجه به ویژگی‌های زیستی، عاطفی، و اجتماعی کودکان و نوجوانان، تمایلات و علایق و انگیزه‌های آن‌ها درک کرده و در ارتباطات خود آن را به کار برده‌اند. به این نکته باید توجه داشت که از جمله ویژگی‌های انسان، نیاز به توجه، تکریم، صفا و صمیمیت است. در کودکان و نوجوانان این احساس قوی‌تر است به ویژه در کودکان و نوجوانانی که در خانواده‌های محروم و فاقد عطف و همبستگی خانوادگی زندگی می‌کنند.

نمونه دیگر جریان یمانی است؛ به گونه‌ای که مبلغان این جریان، با ورود به پارک‌ها که مردم در آن جا دارای فشار ذهنی کم‌تری هستند، با مخاطبان ارتباط‌گیری کرده و پس از گفت‌گویی اولیه برای القای پیام خود، به روایات معصومین استناد جسته و در این تبلیغ تعدادی نفر را جذب کرده و پس از جذب در منازل فریب خوردگان، نماز جمعه برگزار کرده‌اند (ر.ک: <http://shiraze.ir/fa/news> ، کلیپ این مستند بر روی خبرگزاری تحلیلی شیرازه توسط سیمای فارس بارگزاری شده است).

۲-۱-۴. القای ماهیت ماورایی

در میان مدعیان، ترفند دیگری وجود دارد که می‌توان آن را «القای هویتی ماورایی» عنوان کرد. بدین معنا که مدعی، خود را انسانی ویژه و متفاوت با انسان‌های دیگر معرفی کند که دستی در عالم ملکوت دارد و دارای قدرتی برتر و ویژه است! این القا به دلیل سهل بودن، به طور فراوان در میان مدعیان مشاهده شده است و آن، در واقع نوعی عوام‌فریبی است.



معجزه، شفای مریض، علم آموزی مستقیم از اهل بیت، تایید امور مدعیان به دست اهل بیت از جمله آن است. از طرفی دیگر، از لحاظ روانی در عصر غیبت امام معصوم، اگر مردم، شخصی را ببینند که با حضرات معصومین علیهم السلام در عوالم ارتباط دارد و بر روی زمین دارای قدرت ویژه‌ای است به صورت مضاعف جذب او می‌شوند. نمونه ای از این القائات به شرح ذیل است:

۲-۱-۴-۱. غیب گویی

«ع - ی» مدعی ارتباط، در لابه لای سخنان خود مطالبی را به عنوان دیده‌ها، نه شنیده‌های خود معرفی می‌کند؛ به عنوان نمونه:

بنده در خلال سفرها چیزهای دیدم، دیده‌ها رامطرح می‌کنم. عقایدم بر اساس آن چیزهایی است که دیده‌ام، نه چیزهای که خواندم. بر اساس دیده‌هاست، نه خوانده‌ها (نظام عالم، بی‌تا؛ جلسه ۱۱، ص ۵).

از این بیان و بیانات دیگر وی، به خوبی معلوم می‌شود منشاء مطالب وی، غیب و الهام و مکاشفه است. این تنها ادعا است؛ اما درزمینه اعتبار این دیده‌ها، باید گفت، این دیده‌ها زمانی می‌تواند ارزش داشته باشد که کشف و یا الهام، به عقل یا معصوم عرضه و به کمک آیات و روایات ارزش گذاری شود؛ و الا از مکاشفات شیطانی خواهد بود. جالب توجه این که خود مدعی به خطر پذیری و انحراف در دیده‌ها اذعان دارد (همان: جلسه ۱، ص ۷). علاوه براین، دیده‌های یک فرد برای دیگران ارزش شنیده‌ها را دارد و به صرف گفتن، ارزش علمی پیدا نمی‌کند، مگر این که عاملی خارجی، مانند معجزه صحت آن را تضمین کند (حجامی: بی تا، ص ۳۵).

۲-۱-۴-۲. شاگردی نزد معصومان!

یکی از مصادیقی که می‌تواند جزء القای ماهیت ماورایی قرار گیرد، آموزش نزد معصومین است آقای «ع - ی» درباره معلمی صحبت می‌کند که شهید شده است و از غیر او هم مطلبی نمی‌گیرد؛ معلمی که ۱۴۰۰ سال قبل شهید شده است (چهل شب با کاروان حسینی، بی تا؛ ص ۲۱۰). این معلم طبق گفته وی، قرار است به ایشان فقه هم یاد بدهد (همان). از مطالب مذکور این ادعا برمی آید که معلم وی انسانی معمولی نبوده و باید یکی از معصومان باشد. این مطلب اگر چه به صراحت در سخنان وی نیامده است؛ از اشاره‌ها و کنایه‌هایی که در

لابه لای مطالب وی وجود دارد؛ چنین بر می آید معلم وی حضرت زهرا علیها السلام است!

۲-۱-۳. ارتباط با عوالم ملکوت

ارتباط با عوالم فرازمینی از دیگر ترفندهای مدعیان است؛ چنان که «ع - ی» اظهار می کند که همیشه در حال رفت و آمد به عوالم بالا و حتی فراتر از عالم ملکوت است و جز وی، حضرت زهرا علیها السلام و حضرت خضر علیه السلام کسی توان حضور در آن عوالم را ندارد. او مدعی است، نور وی به اندازه ای است که در عوالم بالا، بعضا نور وی را با نور ائمه اشتباه می گیرند و می گوید: من پشت سر حضرت زهرا علیها السلام بودم و اجازه یافتم زمینه ساز ظهور حضرت باشم. (کژراهه، ۱۳۸۸: ص ۱۶۸-۱۶۹).

نامبرده ادعاهای دیگری نیز داشته است، مانند «با شمشیر علوی به جان دشمنان اهل بیت می افتم»؛ «هنگام احتضار مرا خواهید دید»؛ «تعبیر خواب از شیعه گرفته شده است»؛ «برج های دوقلو را ساحران سرنگون کردند»؛ «دشمنان غیر انسانی در تدارک حمله به ایران اند» و «حمله شیاطین به قم و مشهد» (حجامی، بی تا: ص ۵۵-۸۸).

جملاتی که از وی صادر می شود، انتزاعی است که هیچ ارزش و معرفتی در آن وجود ندارد و قابل اثبات نمی باشد؛ اما به این ترفند، از آن جهت که مدعی با ادعای ارتباط با ملکوت و امثال آن نزد مخاطب شخصیتی ویژه و منحصر به فرد محسوب می شود؛ در ذهن اومی ماند و مخاطب دیگر حاضر نیست هیچ گونه مطلبی را برخلاف آن قبول کند. به طوری که برخی از مریدان «ع - ی»، به هیچ وجه نقدهایی که از این مدعی می شود، بر نمی تابند و موضع گیری های تندی نسبت به منتقدان داشته اند.

۲-۱-۵. سوء استفاده از انگیزه پیشرفت

«انگیزه پیشرفت^۱» به انگیزه درونی فرد برای رسیدن به هدف یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در یک کار، تعریف شده (برونو، ۱۳۸۵: ص ۵۵) و معمولا با نیاز به خود شکوفایی (فعلیت رساندن ظرفیت وجودی) همراه است. در افرادی که نیازشان به پیشرفت بسیار زیاد است، معمولا حاضرند دست به خطر زده و سختی های این مسیر را تحمل کنند (همان). این انگیزه می تواند امور مادی و معنوی را در برگیرد.



مدعیان با سوء استفاده از این انگیزه درونی افراد در قالب کلاس‌های سیر و سلوک، تزکیه نفس و ملاقات با حضرت، افرادی را که دلداغه امام زمان عجل الله تعالی فرجه و دارای انگیزه رشد معنوی‌اند، جذب می‌کنند. لذا بسیاری از مریدان این جریان‌ات، برای کسب و ارتقای معنویت پا به این میدان پر خطر گذاشته‌اند.

اما اگر در مواردی که انگیزه پیشرفت معنوی در افراد وجود نداشته باشد، روان‌شناسان معتقدند با محرک‌های بیرونی مانند «پاداش»، «کیفر»، «ستایش»، «آگاهی دادن از نتیجه»، می‌توان انگیزه افراد را تغییر داد (شعاری نژاد، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۲۱).

به عنوان نمونه، در مورد «آگاهی دادن از نتیجه»، می‌توان با بررسی مختصری از کارنامه مدعی «الف - ت»^۲ این ادعا را اثبات کرد. اودر بیانی در جمع مریدان ادعا می‌کند که هرکس در جلسات او شرکت کند، بین ۶ ماه تا یک سال چنان علمی پیدا می‌کند که حد و حساب ندارد! (فیلم مدعی: بی‌تا، کد ۲۶، موجود در آرشیو گروه فرقه‌های انحرافی مرکز تخصصی مهدویت).

۲-۱-۶. شخصیت سازی کاذب مدعی

«شخصیت» از واژه لاتین «برسونا» گرفته شده است. این واژه به نقابی اشاره دارد که هنرپیشه‌ها در نمایش به صورت خود می‌زدند. برای شخصیت تعاریف متعددی شده است؛ اما برخی براساس ریشه این کلمه قائلند که شخصیت به ویژگی‌های بیرونی و قابل مشاهده و جنبه‌هایی اشاره می‌کند که دیگران می‌توانند آن‌ها را ببینند. پس شخصیت انسان در قالب تاثیری که شخص بر دیگران می‌گذارد، یعنی آنچه به نظر می‌رسد «که باشیم» تعریف می‌شود (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

بر اساس تعریف مذکور، انسان‌هایی که شخصیت آن‌ها طوری است که توانایی اثر گذاری بر دیگران در آن‌ها کم‌تر است در صدد ساختن شخصیت کاذب و کاریزما برای خود می‌باشند

۱. این محرک‌ها بر نظریه «شکل‌گیری از بیرون اسکینر» مبتنی است.

۲. نامبرده خود را معصوم پانزدهم می‌داند و برای خود درجه‌ای از عصمت قائل است و از جانب مریدان خود، نایب خاص امام زمان خوانده می‌شود. در مستندات پخش شده از او برجریان نزدیکی ظهور تکیه دارد (مجموعه‌ای از فیلم‌های نامبرده: بی‌تا، موجود در مرکز تخصصی مهدویت).

که برای رسیدن به آن از حیل‌های مختلف، مانند «ملاقات‌های مکرر با حضرت» و «درجه اجتهاد و استاد تزکیه» و.. استفاده می‌کند.

شخصیت‌سازی می‌تواند از طریق ابزارهای ذیل صورت گیرد:

۱. تبلیغات رسانه‌ای، ۲. چاپ رساله، ۳. تاسیس مکان‌ها و تلفن‌هایی برای پاسخگویی مراجعان، ۴. ضبط و تکثیر سخنرانی‌ها و توزیع رایگان در بین عموم جامعه، ۵. تهیه و چاپ کتاب، جزوه، کارت، بروشور، کاتولوگ‌های جذاب و باکیفیت، ۶. راه اندازی سایت و تبلیغ خود در فضای مجازی. به عنوان نمونه، «ح-پ^۱» از این شگرد استفاده کرده است؛ چرا که مردم وی را غالباً با مطالعه کتاب‌ها، حضور در جلسات، معرفی دیگران و مراجعه به سایت شخصی‌اش می‌شناختند و مطالب دروغین در کتاب‌هایش به شخصیت او تقدس بخشیده بود. مطالب کتاب، ادبیات مطالب و طرح شخصیتی والا از نویسنده در کتاب، خواننده را وادار می‌کند تا خود را به وی برساند و نویسنده را زیارت و از معنویاتش استفاده کند (فیلم مستند اظهارات نامبرده: بی‌تا، کد ۴۵۱ و جزوه مریدان: بی‌تا؛ موجود در مرکز تخصصی مهدویت) از دیگر ادعاها که به شخصیت‌سازی منجر می‌شود ملاقات‌های مکرر او با حضرت، اهدا قرآن از جانب حضرت به وی و ادعای اجتهاد با چاپ کتاب «احوط الاقوال» بدون این که صلاحیت علمی داشته باشد، می‌باشد (همان).

این، در حالی است که مدعی بعدها در اعترافات خود می‌گوید:

هر کس دوست دارد دارای شخصیت باشد. من نمی‌توانستم از راه عادی دارای شخصیت شوم؛ لذا از همان جوانی، با ورود به تشکیلات دینی شخصیت کاذبی برای خود ساختم؛ ولی هر چه خود را به انقلابیون نزدیک می‌کردم، به‌خاطر برخی

۱. آقای «ح-پ»، متولد ۱۳۱۴ش: سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شد. در سال ۱۳۴۲ با همکاری یکی از روحانیون مطرح مشهد «کانون بحث و انتقادات دینی» را در مشهد تاسیس کرد، که به دلیل حضور آن عالم، مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۴ دستگیر شد؛ ولی با سپردن تعهد، مبنی بر دوری از امور سیاسی، افراد انقلابی و اعلام برائت، ساواک در نامه‌ای او را سالم خواند. او پس از انقلاب با طرح مسائل تزکیه نفس و دیدار با امام علیه السلام به فعالیت‌های انحرافی پرداخت (اسحاقیان، ۱۳۸۹: ص ۱۴۵). طی دو مرحله دستگیر و سپس آزاد شد. آخرین بار در سال ۸۵ دستگیر و به یکی از شهرها تبعید گردید (فیلم مستند اظهارات: بی‌تا: کد ۴۵۱). وی سرانجام در سال ۱۳۹۴ بر اثر عارضه قلبی از دنیا رفت.

بی‌لیاقتی‌های بنده، مرا نپذیرفتند. لذا از طریق نوشتن کتاب «...»، شخصیت کاذب دیگری برای خود تشکیل دادم که همه آن هوای نفس و توهمات بود و از خدای تعالی پوزش می‌خواهم (فیلم اعترافات، بی تا: کد ۴۵۱، موجود در آرشیو گروه فرقه‌های انحرافی مرکز تخصصی مهدویت).

۲-۲. ترفندهای پایایی

به ترفندهایی گفته می‌شود که ماهیت «جذب» ندارد؛ اما برای این‌که جذب شدگان در گروه باقی بمانند، مدعیان از آن ترفندها استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. مغز شویی

یکی از مهم‌ترین ترفندهای روان‌شناختی که بر روی افراد انجام می‌گیرد «مغز شویی»^۱ یا «بازسازی» فکری است. شست‌وشوی مغزی کوششی است نظام‌مند برای تغییر دادن اندیشه‌ها و باورهای فرد (آرتور اس، ۱۳۹۰: ص ۱۷۸). این تکنیک، در ابتدا به وسیله کمونیست‌های چین و شوروی سابق در مورد زندانیان به کار گرفته شد و بعدها به جاهای دیگر گسترش یافت (مان، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۵۳۲). یکی از کاربردهای این ترفند، مسائل فرقه‌ای است که مدعیان با شیوه‌های مختلف بر روی مرتبطان خود انجام داده و آن‌ها را پس از جذب، تغییر هویت داده‌اند.

بازسازی فکری می‌تواند از طریق مکانیزم‌های روانی خاصی صورت گیرد که دارای مدل‌های متفاوتی است. به عنوان نمونه سینگر^۲ از ۶ مکانیزم نام می‌برد: ۱. فرد برای این‌که بتواند در مخاطب تغییرات ایجاد کند، او را در ناآگاهی کامل نگه می‌دارد؛ ۲. محیط زمانی و فیزیکی را کنترل می‌کند (ارتباطات و اطلاعات)؛ ۳. حس ناتوانی، ترس و وابستگی در مخاطب به وجود می‌آورد؛ ۴. رفتارها و برخوردها سابق را سرکوب می‌کند؛ ۵. رفتارها و برخوردهای جدید ایجاد می‌کند؛ ۶. سیستم منطق بسته را به وجود می‌آورد^۳ (سینگر، ۱۳۸۵: ص ۵۱).

1. Branwashing.

2. Singer

۳ برخی دیگر از روان‌شناسان مانند لیفتون (Lifton) تا هشت مورد نام برده اند (ر.ک: سینگر، ۱۳۸۵: ص ۵۱)

فرقه بهائیت این ترفند را بسیار به کار برده است. در جلسات آنان اعضای قدیمی تر به اعضای جدید می‌گویند هیچ کس نباید رهبری فرقه را زیر سؤال ببرد. آن‌ها به اعضای جدید می‌آموزند که هرگز نباید نسبت به آموزش‌ها شک کنند و در صورت هرگونه تردید، باید از مسئول بالای خود راهنمایی بخواهد (نوعی مغزشویی) (علی هاشمیان فر، مریم حایک، ۱۳۹۳: ص ۱۳۰).

مهناز رئوفی که یکی از نجات یافتگان از بهائیت است، در خاطرات خود چنین نقل می‌کند:

زمانی که معلم مهد کودک بهائیان شدم، برنامه‌هایی که به من می‌دادند تا به بچه‌ها بیاموزم، کاملاً در جهت شست‌وشوی مغزی آن‌ها بود و من می‌دیدم که چگونه از ۳ سالگی، کودکان را نسبت به اسلام و مسلمانان بدبین می‌کردند و چگونه با آوردن مثال‌ها و بیان داستان‌هایی، آنان را از خارج شدن از بهائیت می‌ترساندند و با وجود این ترس و وحشتی که در کودکان ایجاد می‌کردند، بازهم شعار بی‌اساس «تحرری حقیقت» را سر می‌دادند و به ظاهر وانمود می‌کردند که بهائیان در پانزده سالگی پس از تحرری حقیقت می‌توانند راه خود را انتخاب نمایند؛ در حالی که هیچ کدام از بهائیان حق نداشت کتاب‌های سایر جوامع و کتاب‌های ردیه را که بیشتر، بهائیان مسلمان شده آن‌ها را نوشته بودند مطالعه کند (مهناز رئوفی، بهایی مسلمان شده، گفت و گو با ایران به نقل از سایت: <http://www.aviny.com/occasion>).

از نمونه‌های امروزی می‌توان به «ص-ج»، مرید و همسر خانم «ش-ح»،^۱ مدعی

ص ۵۱).

۱. خانم «ش-ح»، متولد تهران: تحصیلات دیپلم که تا ۳۷ سالگی سه ازدواج ناموفق داشته است. در سال ۱۳۷۵ با آقای «ص-ج» که دارای دکترای داروسازی است، به عنوان همسر چهارم ازدواج کرد (دادستانی ویژه روحانیت، اظهارات نامبرده).

وی از سال ۱۳۷۳ با تشکیل کلاس‌های مذهبی فعالیت خود را آغاز کرد و پس از آن مدعی شد که امام زمان علیه السلام با وی در ارتباط است و تکلم او تکلم امام و خشم او خشم آقا است! در سال ۱۳۷۸، با حمایت‌های مالی همسرش به یکی از استان‌های شمالی عزیمت و افراد گروه را به آن مکان دعوت و خانه خود را کعبه و حرم معرفی کرد. در ادامه به فعالیت‌های انحرافی خود پرداخت. از مهم‌ترین فعالیت‌های وی علاوه بر ادعای ارتباط با امام زمان علیه السلام اجرای احکام شرعی است. یکی از مهم‌ترین

ارتباط با امام عصر علیه السلام اشاره کرد. او در اعترافات خود می‌گوید:

چنان این خانم اندیشه‌های خود را به ما خوانده بود که ما هر لحظه فکر می‌کردیم کلام او از ناحیه امام زمان است. چنان ما مسحور این زن شده بودیم که او نزد ما یک قدیسه بود. خانه‌ای برای او خریدم تا برای کار خیر، مثل یک حرم استفاده شود و به ارث کسی نرسد و من آن قدر از او حمایت مالی و عاطفی کردم؛ عقیده و جانم را در اختیار او قرار دادم و نزدیک به ۳۰۰ میلیون در تهران و ۳۰۰ میلیون در این‌جا (مازندران) برای او هزینه کردم. ما آن قدر سر سپرده او شده بودیم که اگر به ما دستور می‌داد فلان انسان را العیاذ بالله، حتی ولی فقیه خونس هدر است، ما این کار را انجام می‌دادیم به اسم امام زمان. (فیلم اعترافات ص ۱۳۸۵: کد ۱۳. موجود در معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت.)

خانم م - پ، یکی دیگر از مریدان همین گروه گوید:

جوری با ما صحبت می‌کرد که اگر می‌خواستیم گروه را ترک کنیم، می‌ترسیدیم مغضوب امام زمان علیه السلام واقع شویم (همان).

۲-۲-۲. مظلوم نمایی

یک اصل بسیار اساسی و موثر بر عملیات روانی، «مظلوم نمایی» است. این شیوه به عنوان یک ترفند، همواره مورد استفاده افراد و گروه‌های خاص سیاسی و غیر سیاسی بوده است. این شگرد چنان کار آمد است که حتی اگر حریف مقابل، برای جامعه توضیح دهد که شما واقعاً مظلوم نیستید؛ باز هم مظلوم نمایی موثر است و این ناشی از ویژگی‌های روانی و عاطفی افراد جامعه، مانند ظلم ستیزی و نوع دوستی است. شاید بتوان گفت یهودیان صهیونیسم بیش‌ترین استفاده‌ها را از این ترفند نموده‌اند و یکی از پدیده‌های جالب توجه در مبحث صهیونیسم، مسئله یهود آزاری است؛ چرا که در طول تاریخ یهود، جریاناتی وجود داشته که به یهود آزاری دامن زده است؛ به طوری که ویل دورانت معتقد است در

آن احکام، ازدواج و طلاق است، به استناد این که امام زمان علیه السلام حکم طلاق و ازدواج آن‌ها را صادر کرده است. اعتراف گرفتن و کتک زدن مریدان خود به نام امام زمان علیه السلام از دیگر اقدامات انحرافی وی است (همان).

اسپانیای مسیحی، دستگاه‌های تفتیش عقاید و شکنجه‌ها توسط خود یهودیان اداره می‌شد (شیرودی، ۱۳۸۲: ص ۲۲). منشا این حرکت، نیاز جریانات صهیونیسم به بسیج توده‌ای ناآگاه و مظلوم نمایی بوده است.

این ترفند هم می‌تواند بر جذب مرید و هم بر استمرار و پایایی مریدان موثر باشد؛ اما با توجه به مستندات موجود، بحث مدعیان جزء ترفند‌هایی پایایی به حساب آمده است. به عنوان نمونه، بهائیت از زمان تاسیس، همواره از این ترفند در طول دوران حیات خود استفاده کرده است. شاید اولین کسی که به صراحت از این ترفند سخن گفته باشد، «فضل الله مهتدی»، معروف به صبحی باشد. او مدت دوازده سال نزد عبدالبهاء، به عنوان مبلغ زبردست بهائیت و به عنوان نویسنده آنان از نزدیک شاهد عملکرد رهبری بهائیان بود و پس از کشف حقیقت و تحول عقیدتی، به افشای ماهیت این فرقه پرداخت. او در خصوص مهارت ویژه بهائیان در مظلوم نمایی معتقد است آنان پس از هر فساد و تبهکاری که توسط آنان صورت می‌پذیرفت در زمان بیزاری از آنان، ناله ستم دیدگی بلند می‌کنند و داد فریاد به راه می‌اندازند که ای مردم جهان! ما در ایران آزادی نداریم (خسرو شاهی، ۱۳۸۶: ص ۷۰). در جایی دیگر می‌گوید:

بسیار پیش آمده است که در شهری یا در دهی میان دو نفر بر سر یک کار کوچک جنگی درگرفته و یکی از آن‌ها در زد و خورد سرش شکسته، بی‌درنگ نزد او رفته و عکسی از او برداشته و در روزنامه‌های جهان پخش کرده که: ای مردم! بر ستم‌دیدگی ما دلسوزی کنید و ببینید چگونه در برابر یک کار کوچک، یک مسلمان سر یک بهایی را می‌شکند! (همان: ص ۷۱).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بهائیت به دلیل از دست دادن جایگاه ویژه خود در دوران پهلوی دست به مظلوم نمایی‌های متعددی زد که علاوه بر علل سیاسی و فشار علیه ایران، می‌توان جلب توجه جهانیان و در اختیار قرار دادن امکانات برای آنان را از جمله انگیزه‌ها بر شمرد.

از مدعیان امروزی می‌توان به جریان «ک-ب»، مدعی ارتباط با امام زمان اشاره کرد!^۱

۱. آقای «ک-ب»، متولد سال ۱۳۳۷ بروجرد: وی پس از تحصیلات مختصر حوزوی، توسط پدر به لباس روحانیت ملبس گردید. در اوایل انقلاب، باتشکیل جلساتی تحت عنوان «سیر عرفان امامان

وی با توجه به جایگاه پدر خود در بین مردم، برای جلب توجه افکار عمومی و برانگیختن احساسات مردم، از پدر خود با عناوین «مرجع مظلوم»، «مظلوم السلاطین» و «او مظلومانه به قتل رسید»، یاد کرده است (دادستانی ویژه روحانیت، پرونده نامبرده، بی تا: ص ۱۴).

نامبرده هنگام دستگیری، برای متشنج کردن جو منطقه و جلوگیری کردن از نهادهای امنیتی و حمایت بیش تر میدان در طی سخنرانی با عباراتی مانند «مثل پدرم، ابی عبد الله، آمده ام درس ایثار به شما بدهم»؛ «برای دفاع از شما، قرآن، خدا، وجدان شما، وطن شما ایستادگی کردم. تنم را به تیرباران عرضه کردم»؛ «بدانید این ها به خانه فرزند رسول الله حمله کردند» و «سر خیابان ماشین گذاشته اند تا اجساد ما را ببرند»؛ دست به مظلوم نمایی زده است (فیلم سخنرانی نامبرده در جمع میدان، بی تا: کد ۱۷، موجود در گروه فرقه های انحرافی مرکز تخصصی مهدویت).

نمونه دیگر جریان یمانی است. مبلغان این فرقه انحرافی در لوح فشرده ای، تخریب مساجد و حسینیه ها، در تاسوعا و عاشورای ۲۰۰۸ و آتش زدن کتابخانه انصار یمانی و قتل صدها نفر از انصار یمانی توسط نیروهای امنیتی عراق را مورد استفاده تبلیغاتی گسترده قرار دادند (فیلم مستند یمانی موعود: بی تا، موجود در آرشیو گروه فرقه های انحرافی مرکز تخصصی مهدویت). این اقدامات در حالی صورت گرفت که انصار یمانی در عراق، به دنبال اقدام مسلحانه علیه حاکمیت عراق بوده اند.

۲-۳-۲. ایجاد شخصیت کاذب در میدان

یکی دیگر از ترفندهایی که مدعیان در جلسات خود به کار می برند «اهدای شخصیت کاذب» است؛ بدین معنا که درباره مرید و مخاطب واژه هایی به کار برده می شود که حس وی را بر می انگیزد و به او شخصیت موجه می دهد؛ به گونه ای که مخاطب، حضور خود را در این جریان و فرقه مایه افتخار می داند؛ به خصوص اگر زمینه های روان شناختی شخصیتی مانند

آسمانی» ادعاهای دروغینی، مانند ادعای ارتباط با امام زمان و اخبار از غیب، مطرح کرد و طی چند بار دستگیری و آزادی مجدد و عدم بازگشت از مسیر انحرافی خود متعاقبا دستگیر و به حبس و تبعید محکوم گردیده. (دادستانی ویژه روحانیت، بازخوانی این مدعی، بی تا: بدون شماره صفحه).

ضعف عزت نفس^۱ یا حس قدرت طلبی و جاه طلبی در او وجود داشته باشد. به عنوان نمونه آقای «ن - ز»^۲، مدعی فرزندی امام و نایب خاص حضرت! در خطابی به مریدان، آن‌ها را «اصحاب کهف» خوانده است (بازخوانی پرونده نامبرده، ۱۳۸۷: بدون شماره، ص ۱۴).

نمونه دیگر آقای «م - ع»^۳ است که در جلسات گروه به مرتبطان خود، از عباراتی مانند «بعضی هاتون خیلی خوب رشد کرده‌اید؛ من به شما حسودیم می‌شود»؛ «شیطان حریف شما نمی‌شود؛ مؤده بر شما که نا امیدش کردید! بریده از شما؛ شما نبرید؛ او بریده از شما!» به کار می‌برد (برنامه به سوی ظهور، ۱۳۸۹: موجود در آرشیو مرکز تخصصی مهدویت). این ادبیات در جمعی جوان و نوجوان صورت پذیرفته و در حالی بیان می‌شود که بانگاه قرآنی و روایی، شیطان تا آخرین لحظه دست از اغواگری و انحراف انسان بر نمی‌دارد. عنوان دیگر: آقای «الف - و»^۴ خطاب به شاگردان و اهل محفل خویش، خطاب به خانم»

۱ ارزیابی انسان از خود پنداره خویش بر حسب ارزش کلی آن عزت نفس نامیده می‌شود به عبارت دیگر عزت نفس یعنی میزان ارزشی که انسان برای خود قائل است (بیابانگرد، اسماعیل، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، ص ۲۵).

۲ آقای «ن - ز»، متولد ۱۳۳۶ش متولد بغداد است. او در یک خانواده کارگری در بغداد به دنیا آمد. در ۷سالگی پدر خود را از دست داد و تحت تربیت فردی به نام «ع - ح» قرار گرفت. با شروع جنگ ایران و عراق، به دلیل ایرانی الاصل بودن از عراق اخراج شد و به ایران عزیمت کرد و در زمان جنگ در جبهه شرکت کرد و در آن جا شیمیایی شد. پس از جنگ، از سال ۶۷ تا ۶۹ در قرارگاه «صراط المستقیم» به عنوان راننده مشغول کار شد و از سال ۱۳۷۰ بر اثر توهمات و به گفته خود، دیدن خواب‌هایی از طرف معصومین، گروه موسوم به «ابونوح» را به منظور مبارزه با فساد تشکیل داد. وی دارای ادعاهای متعددی است که یکی از آن‌ها فرزندی امام مهدی با نام «ن - مهدی محمد» است. «ن - ز» پس از دستگیری، در سال ۷۵ به دلیل ارتباط نامشروع به رجم محکوم گردید (بازخوانی پرونده انحرافات ن - ز).

۳. «م - ع»، متولد مشهد است که به اتفاق خانواده به تهران آمده و در اواخر دهه هفتاد، کار خود را در قالب برگزاری کلاس‌های قرآن و نهج البلاغه آغاز و کم کم در مقوله مهدویت ادعاهای خود را مطرح کرد (دادستانی ویژه روحانیت، پرونده نامبرده).

۴. حدود ۵۰ سال است در تبریز و چند شهر دیگر گروهی به رهبری «الف - و» با تالیف و سرقت‌های علمی از منابع اهل تصوف و عرفان به برقراری جلسات عرفانی اقدام نموده و در این زمینه، افرادی جذب از گروه گردیده‌اند. رهبر این گروه دارای مجموعه‌ای از ادعاهاست که یکی از آن‌ها، ارتباط

الف - و) می‌گوید:

حتما خواهر گرامی و افتخار اسلام، عارفه جلیل‌القدر این را فرموده‌اند. ای سالکه پاکدل! ای مربی گرامی مکتب مولا که مدتی است در مقام تسلیم و رضا طالبین حقیقی را تحت تعالیم خود گرفته‌اید! شما خود یکی از ستارگان درخشان آسمان حقیقتید... قربان شما! شما زهرای زمانید!« (اسحاقیان، ۱۳۹۰: ص ۱۴۳).

همان‌طور که از این سه گزارش معلوم می‌شود، شخصیت‌سازی که با نوعی تملق‌گویی و انتساب القاب دروغین همراه است، هم می‌تواند باعث پایایی مریدان باشد و هم زمینه‌های جذب دیگران را فراهم کند؛ زیرا این نوع کلمات و برخوردها، احساس بزرگ‌بینی را در شخص قوی می‌کند و اگر شخص دچار توهم (هرچند اندک) باشد، با این نوع ادبیات، سریع جذب خواهد شد.

نتیجه‌گیری

یکی از آسیب‌های جدی مباحث مهدویت جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین است. آنان برای رسیدن به اهداف خود به جذب مرید مجبور می‌باشند. از این رو، مهم‌ترین هدف این نوشتار، شناسایی ترفندهای این مدعیان با نگاه روان‌شناختی در محدوده ایران معاصر بود. با توجه به منابع گفته شده می‌توان ترفندها را در دو قسمت «ترفندهای جذب» و «ترفندهای پایایی» منحصر نمود. نسبت دروغ دادن به بزرگان مبنی بر پذیرش فرقه یا اعتقاد آن‌ها، مرحله‌ای بودن ادعای مدعیان، تلقین ماهیت ویژه و ماورایی، سوءاستفاده از انگیزه پیشرفت مریدان؛ از جمله ترفندهای جذب به حساب می‌آید.

اما با توجه به این که جریان‌های انحرافی پس از جذب به استمرار فرقه خود نیاز دارند؛ برای پایایی فرقه به شگردهای جدید مجبور می‌باشند. کنترل ذهن مریدان با ابزارهای



....

کامل وی با امام زمان علیه السلام است و به نوعی خود را معصوم می‌داند. از ادعاهای دیگر او اصل وجود نایب خاص در زمان غیبت کبرا است. او گفته است: «البته آن توقع نه وجود نایب خاص را نافی است و نه تشرف به حضورشان را...» (اسحاقیان، ۱۳۹۰: ص ۱۴۲).

مغزشویی و تملق‌گویی با شخصیت‌سازی کاذب برای مریدان؛ از جمله ترفندهای پایایی این نوع جریان‌هاست.

مظلوم‌نمایی که به شیوه‌ها و مصادیق فراوان در جریان‌ات انحرافی دیده می‌شود، می‌تواند هم در بخش جذب و هم در پایایی فرقه‌ها کمک فراوانی داشته باشد.

اگرچه ترفندهای مدعیان کاملاً مهم و در خور توجه است؛ آنچه در این میان مشترک می‌باشد، اندیشه اصیل مهدویت است که با توجه به این اندیشه، مدعیان از آن سوء استفاده کرده و از طرفی دیگر، به خاطر شیعی بودن جامعه اسلامی و توجه ویژه آحاد مردم به مسئله امامت و مهدویت و عدم کسب شناخت دقیق از مسائل مهدویت، بسیاری از خوش‌باوران در دام این مدعیان قرار گرفته‌اند.



منابع

الف. منابع مکتوب

قرآن کریم.

۱. اسحاقیان، جواد (۱۳۹۰). *پیچک انحراف*، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود ۱۳۹۰.
۲. افروز، غلامعلی (۱۳۸۳). *روان شناسی رابطه‌ها*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. الیزابت، بی‌هار لوک، (۱۳۹۱). *روان شناسی شخصیت*، ترجمه: پرویز شریفی در آمدی و محبوبه حاج نوری، تهران، انتشارات آوای نور.
۴. بامداد، مهدی (۱۳۶۳) *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، چاپ گلشن، تهران.
۵. برونو، فرانک، (۱۳۸۵). *فرهنگ توصیفی روانشناسی*، ترجمه: فرزانه طاهری و مهشید یاسایی، تهران، انتشارات ناهید.
۶. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۲). *روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان*، تهران، انتشارات انجمن.
۷. جامعه مدرسین قم (بی‌تا). *قبیله حبله*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). *کترراه گزارش‌هایی از فرقه‌های نوپدید و عرفان‌های دروغین*، تهران، موسسه جام جم.
۹. حجامی، حسین (بی‌تا). *به سوی انحراف*، قم، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). *الفصول المهمة فی أصول الأئمة*، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا.
۱۱. حسن، استیون (۱۳۹۵). *گسستن بندها*، ترجمه ابراهیم خدابنده، تهران، موسسه مطبوعاتی جام جم.
۱۲. حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵). *مدخل باب، دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۱ق). *اجوبه المسائل المهنائیه*، خیام، قم.
۱۴. حیدری آل کنیر، محسن (۱۳۹۰). *بررسی جریان جدید مدّعی یمانی (احمدالحسن) انتظار موعود*، شماره ۳۴، ص ۱۷۵.
۱۵. خسرو شاهی، سید هادی (۱۳۸۶). *خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی‌گری و بهائی‌گری*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. دوان شولتز و سیدنی ال شولتز (۱۳۸۵). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات نشر ویرایش.

۱۷. ربر، آرتور اس (۱۳۹۰). *فرهنگ روان شناسی توصیفی*، ترجمه یوسف کریمی و همکاران، تهران، رشد.
۱۸. سجادی، صادق (۱۳۸۱). *مدخل بابیه، دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران.
۱۹. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۰). *نگاهی به روانشناسی آموختن*، تهران، چاپخش.
۲۰. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۷). *فلسطین و صهیونیسم*، قم، زمزم هدایت.
۲۱. ع-ی (۱۳۸۳). *چهل شب با کاروان حسینی*، بی جا، نشر دفتر جشنواره به سوی ظهور.
۲۲. — (بی تا) *نظام عالم، سلسله جزوات*.
۲۳. فضایی، یوسف (بی تا). *بابی گری و بهایی گری*، تهران، مطبوعات فرخی.
۲۴. فیضی، محمد علی (۱۳۵۲). *حضرت نقطه اولی*، بی جا، موسسه ملی مطبوعات امری.
۲۵. کاویانی، محمد (۱۳۸۷). *راون شناسی و تبلیغات*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، زیتون.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، اسلامیه.
۲۷. گیلانی (میرزای قمی) ابوالقاسم بن محمد (۱۳۷۸). *قوانین الاصول، تهران، المكتبة العلمیة الاسلامیة*.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۹. محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۰). *ارتباط شناسی*، تهران، انتشارات سروش.
۳۰. مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۰۵ق). *رسائل الشریف المرتضی*، قم، دارالقرآن الکریم.
۳۱. نرمال ل. مان (۱۳۶۸). *اصول روان شناسی*، ترجمه محمود ساعتچی، تهران، امیرکبیر.
۳۲. هاشمیان فر، علی، حایک، مریم (۱۳۹۳). *بررسی ابعاد فعالیت فرقه های معنویت گرای فعال اصفهان، بهائیت و تصوف؛ فصلنامه پژوهش های مهدوی*، شماره ۸.
۳۳. هیلگارد، ارنست و همکاران (۲۰۰۹م). *زمینه روانشناسی*، ترجمه حمزه گنجی و مهدی گنجی، تهران، ساوالان.

ب. منابع غیر مکتوب:

پرونده ها.

۳۴. بازخوانی پرونده ع-ی، (بی تا)، معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت.
۳۵. جزوه مریدان جریان انحرافی ح-پ. (بی تا). آرشیو مرکز تخصصی مهدویت.
۳۶. دادستانی ویژه روحانیت (بی تا). *اعترافات ص - ح*، کد ۱۳.
۳۷. — (بی تا). *فیلم اظهارات خانم ش - ح*، کد ۱۳.



۳۸. _____ (بی تا). *اعترافات، ک - ب*.
۳۹. _____ (بی تا). *بازخوانی پرونده انحرافات م - ع*، شماره ۳، معاونت بررسی و پیشگیری.
۴۰. _____ (۱۳۷۸). *بازخوانی پرونده انحرافات ن - ز* شماره ۷، معاونت بررسی و پیشگیری.
۴۱. سراب ۱، (۱۳۹۴). *بررسی جریان یمانی*.

فیلم ها

۴۲. سخنرانی ع - ی، (بی تا)، در جمع مریدان.
۴۳. شبکه دو سیما (۱۳۸۹). *برنامه به سوی ظهور، بررسی کارنامه مدعیان دروغین مهدویت، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت*.
۴۴. فیلم مستند ک - ب (بی تا). *ضبط توسط مریدان کد ۱۷، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت*.
۴۵. فیلم مستند یمانی (بی تا). *البیعه لله، کد ۱۶، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت*.
۴۶. فیلم تبلیغی بهائیت (بی تا). *کد ۱۲۱، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت*.
۴۷. فیلم مدعی ع - ت (بی تا). *کد ۲۶، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت*.
۴۸. فیلم اظهارات ح - پ، (بی تا). *کد ۴۵۱، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت*.
۴۹. سهیل کریمی، (بی تا) *مستند روزنه انحراف، موجود در گروه فرقه های انحرافی مرکز تخصصی مهدویت*.

وبسایت ها

50. <http://shiraze.ir/fa/news>.
51. <http://www.aviny.com/occasion>.

